مجله علمی پژوهش در روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی ، شماره ۱۲ ، تابستان ۱۳۹۷جلد۱، ص ۷۲-۶۳
http://www.jisc.ir

مجله علمی پژوهش در روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی(سال چهارم)
شماره ۱۲ / تابستان ۱۳۹۷ / ص ۷۲-۶۳

مقایسه دعا در یهود و تشیع

حجت الله جوانی[۱]، سیده مژگان تقی زاده[۲]
[۱] استاد یار و عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا
[۲] کارشناس ارشد ادیان و عرفان

نویسنده مسئول:
حجت الله جوانی

چکیده
دعا در بسیاری از ادیان همواره مورد توجه بوده است زیرا عالی‌ترین زمینه ابراز عواطف و احساسات برتر معنوی در انسان است. سنت‌های دینی بزرگ نظیر یهود و اسلام به مضمون، زمان، مکان، اوقات، دلایل و علل دعا پرداخته‌اند. بررسی‌های فراوان در منابع ادعیه یهود و تشیع نشان می‌دهد که تشابهات بسیاری در خصوص محتوای ادعیه و انواع دعاها وجود دارد. یک مطالعه موردی و بررسی تحلیلی در متون ادعیه دین یهود و مذهب تشیع نشان می‌دهد هر دو آیین، رسالت انبیاء، دعوت به عبادت بوده است و در آن‌ها دعا در چهارچوب شریعت تاکید شده است. در هر دو آیین مفهوم بخشش ناشی از دعا، هم‌سخنی با خداوند در اثر دعا و عرضه درخواست‌ها در دعا مطرح شده است. تفاوت‌هایی هم در مضامین دعای هر دو مکتب مشاهده می‌شود. برای مثال، دعا در یهود به معنای حمد و ثنا در خصوص نعمت‌های موجود است اما در شیعه وعده به اجابت درخواست داعی هم شده است.

واژه‌های کلیدی: دعا، عبادت، پرستش، توحید، یهود، تشیع

مقدمه

دعا رابطه معنوی میان خالق و مخلوق و رشته پیوند میان عاشق و معشوق است در دعا مهمتر از کلماتی که بر زبان جاری می کنیم موج عشقی است که این کلمات در بر دارند. دعا راهی ساده و شیوه ای مستقیم برای رسیدن به واقعیت قدیسان و پاکان و بزرگترین پناه در برابر نگرانی و تشویش است.با نگرشی عمیق در متون دعایی یهود و مقایسه آن با دیگر ادیان و مکاتب به این نکته حائز اهمیت پی می بریم که به دلیل فطری بودن دعا و همچنین ارتباط آن با اصول اعتقادی مانند توحید، نبوت، معاد و موعود میان شیعه و یهود در مسئله دعا تشابهات فراوانی وجود دارد برای نمونه می توان به دعای شبور در یهود اشاره نمود که مضامین و مفاهیم آن اشتراک های زیادی با دعای سمات در شیعه دارد این نکته ظریف باعث گردید که با همه محدودیت هایی که در زمینه منابع و تازه بودن پژوهش، موجود بود به تحقیقی پرداخته شود که هدف و نهایت آن بررسی دعا در یهود و شیعه و به دست آوردن زبان مشترک و تمایزات آنها باشد. ادعیه یهود و شیعه در خصوص دعوت به پرستش خداوند دارای اشتراک می باشند اما در نوع توصیف خداوند تفاوت هایی قائل هستند و همچنین در زمینه نبوت، معاد، منجی و ویژگی های دعا و عبادت که شامل نوع نیایش، زمان و مکان دعا، حج ، شفاعت و نماد است دارای تشابهات و تمایزات قابل توجهی می باشند.

اصطلاح شناسی دعا

ریشه سه حرفی(د ع و)معانی متعددی دارد، اما در این جا معنای خواندن ، ندا کردن ، طلب ، فریادرسی و استغاثه کردن منظور است.دعا در اصطلاح یعنی مطالبه چیزی که باید با لیاقت و کار و اندیشه به دست آید. دعا کردن یعنی خواستن و تکرار نیازها و خواسته ها، دعا تلقین اصول اعتقادی است و با ذکر و نیایش ، درخواست ها و ایده آل های مقدس انسان را زنده نگه می دارد تا روح ،دربند عینیت مادی و روزمرگی و ابتذال نشود.دعا متن تدریس و تعلیم فلسفی و اعتقادی در شکل خطاب به خداوند و اعلام نیازها است. هدف از دعا کردن تنها استجابت دعا نیست، همین که خدا بنده ای را می پذیرد و به او توفیق می دهد که خدا، خدا بگوید و به حرف های او توجه کند، بزرگترین لذت ها و مهمترین افتخارات برای وی محسوب می شود. دعا کردن و توجه به خداوند در مواقع مختلف و اتکاء و توکل به او فواید مادی و معنوی بسیاری دارد.از میان این فواید می توان به تربیت و رشد انسان در مسیر سعادت اشاره کرد که در سایه دعا بدست می آید.

فلسفه دعا و نیایش

بسیاری از افراد می پندارند هدف از دعا و نیایش، تنها گرفتن حاجات و بر طرف شدن نیازهاست اما به چند دلیل هدف و فلسفه نهایی از دعا کردن اجابت آن نیست:

الف: اگر فلسفه و هدف دعا تنها اجابت باشد، از هر کسی که بتواند درخواست ما را اجابت کند، می توان خواهش کرد و این با روح عبودیت که نفی عبودیت غیر خداست منافات دارد.

ب: اگر فلسفه و هدف دعا تنها اجابت و گرفتن حاجت باشد و خداوند فقط به این منظور فرمان به دعا کردن داده باشد، دیگر تأخیر در اجابت معنایی ندارد و تأخیر در اجابت از سوی خدای حکیم(نعوذ بالله)کاری عبث و بیهوده است و کار بیهوده و عبث از سوی خدای دانا و توانا به دور است .

فلسفه دعا از بین بردن روح تکبر و غرور در انسان است و چون عامل اصلی دعا نکردن کبر است، بندگان خدا باید دعا کنند تا از غرور مصون بمانند.دعا عامل توجه به توحید و یأس از غیر خداست زیرا یکی از سریع ترین و بهترین راه های درست توجه دیگران و توجه دادن به توحید دعا کردن است زیرا دعا کننده ای که به توحید بی توجه باشد و در هنگام دعا کردن تنها امیدش خداوند نباشد و از دیگران مأیوس نشده باشد، دعایش قبول نیست یعنی فرد دعا کننده، باید خداوند را آن گونه که هست بشناسد و از همه مخلوقات جز او قطع امید کند و خدای یکتا را خالصانه بخواند و این قطع امید از همه و توجه به مبدأ واحد همان توحید است (برازش،قرآن صاعد،۷۸،ص۶۴) نکته مهم دیگری که در

دعا نهفته است روحانیت و معنویت ارزشمند دعا است یعنی انسان به هنگام دعا و توجه به مبدأ آفرینش و وقتی زبان او با دانش هماهنگ شد خود را غرق در نور دیده و گوهر انسانیت خود را به خوبی می شناسد و در آن هنگام به درستی درک می کند که در سایر اوقات چه چیزهای بی ارزش و کوچک او را به خود مشغول داشته بود و چقدر از درجه تعالی ساقط بوده است و لذا انسان با درخواست از خداوند احساس عزت و سربلندی می کند، که در سایر این مواقع چنین احساسی به او دست نمی دهد و این احساس عزت از اثرات مهم دعا است. انسان با دعا کردن و توجه به خداوند به فطرت خود که همان خداطلبی و خداجویی است باز می گردد و از وجدان خفته او پرده غفلت برداشته می شود، مخصوصاً وقتی که بلا و گرفتاری برای او رخ می دهد و تمام درها را به روی خود بسته می بیند، نیرویی درونی او را متوجه خدا کرده و در آن لحظات حساس از خداوند کمک می خواهد. قرآن حکیم بر این حس فطری انسان صحه گذاشته و آن را تأیید کرده است: (امن یجیب المضطر اذا دعاء و یکشف السوء)، (سوره نمل آیه ۶۴) آیه فوق فطرت انسان را مورد خطاب قرار داده و پرده از واقعیتی که شکی در آن نیست بر می دارد و باعث می شود که او به سوی خدا باز گردد و منجی و فریادرس خود را که در روزهای اضطرار، گرفتاری ها و رنج هایش را بر طرف می ساخت به یاد آورده و به او توجه کند.

جایگاه دعا و نیایش در یهود

آن زمان که حضرت موسی در راه رسالت الهی با همسرش از وطن هجرت نمود و سر به بیابان گذاشت و در تاریکی و ظلمت شب به طوفان برخورد کرد و به خاطر سختی ها و مشکلات فراوان دستخوش اضطراب و ناراحتی گشت پروردگار برای آرامش او ، به او وحی نمود که : من خدا هستم و معبودی جز من نیست پس مرا عبادت کن و نماز را برای یاد من بپادار. در رابطه با موضوع اقامه نماز یهودیان در معابدشان باید گفت در کتاب گنجینه تلمود آمده است که : علاوه بر عبادت ها و نمازهای فردی و خصوصی که انسان به وسیله آن حاجات خود را از خدا می طلبد نمازهای جماعتی نیز هستند که افراد، موظفند در آنها شرکت جویند. در براخوت-۶ الف آمده است: دعا و نماز انسان فقط در صورتی مورد اجابت قرار می گیرد که در کنیسه خوانده شود. در مورد برگزاری نماز جماعت در کنیسه گفته شده است که: هر آن کس که در شهر او کنیسه ای دارد و برای خواندن نماز به آن جا نمی رود وی را همسایه بد می خوانند و با شدت این همسایگان بد را مورد نکوهش و مذمت قرار می دهد. (گنجینه تلمود ۱۰۳)

در مورد چگونگی اقامه نماز در میان بنی اسرائیل در کتاب اشعیا فصل ۴۵ آیه ۳۴ آمده است : در بنی اسرائیل معمول بوده است که رکوع و سجود و تشهد و خم کردن زانو نداشته و ندارند و جمیعاً مربع نشسته و می نشینند و بسیار دو زانو نشستن را بد می دانند و اعراض می کنند و بچه ها را از ابتدا از نشستن دو زانو منع می کنند.

نمونه ای از دعاهایی که دانشمندان تلمود نقل کرده اند و اکنون بخشی از نماز آن هاست:

"ای خداوند خدای ما، میل و رضای تو بر این تعلق می گیردکه به ما عمری دراز عطا فرمایی، عمری مشحون از صلح و سلامت، پر از نیکی و رحمت، آکنده از برکت، با معیشت و روزی حلال، همراه با تندرستی و نیروی جسمانی، قرین با ترس از خطای عمری که در آن خجالت و شرمندگی یافت نشود، عمری توأم با ثروت و عزت و سعادت که در آن عشق به تورات و علم و دانش و ترس از خدا، دل و جان ما را پر کند و تو در آن، همه آرزوهای قلبی ما را به خوبی و خوشی برآورده سازی." (براخوت ۱۶ ب.)

انسان و نجات از دیدگاه یهود

از دیدگاه یهود انسان به صورت خدا آفریده شده و این مزیت او نسبت به دیگر موجودات است، انسان دو بعد دارد، یکی آسمانی و دیگر زمینی.دانشمندان یهود هدف از خلقت انسان را، اطاعت از خدا و پرستش او می دانند و این مربوط به بعد آسمانی او است، انسان هم دارای جسم است و هم روح، اما از ناحیه روح است که شبیه به خداست، به این دلیل باید روح خود را پاکیزه نگه دارد.دانشمندان یهود درباره عظمت خلقت بدن انسان بسیار سخن گفته اند و آن را عالم کوچک دانسته اند همچنین آنان بر مواظبت بدن بسیار تأکید کرده اند.بزرگان یهود معتقدند انسان برای زندگی آفریده شده و گناه باعث می گردد که مرگ بر او عارض شود. اگر انسانی پیدا شود که هرگز گناه نکند، نمی میرد چنان که الیاس نبی این گونه است. انسان ذاتاً بی گناه است و معصوم و پاک متولد می شود(با این که گناه آدم در سرنوشت انسان ها اثر می گذارد اما این باعث نمی شود که انسان گناهکار متولد شود).از سوی دیگر با این که در انسان تمایل به خوبی و بدی وجود دارد، انسان مختار است و هرگز مجبور نیست چنان که می تواند راه صحیح را برگزیند، راه نجات انسان، ایمان و عمل صالح است، که از اعمال صالح بسیار مهم، دعا و نماز است، اما همین اعمال باعث نجات گناهکار نمی شود، آن هم گناهکاری که از فرمان خدا تمرد می کند به این دلیل خدا گناهکاران را حتماً مجازات می کند چهارگناه هستند که هرگز بدون مجازات نمی مانند و گناه کبیره اند: بت پرستی، زنا، قتل، غیبت.

.با این همه خدا راهی را برای گناهکاران بازگذاشته و آن توبه و کفاره است یعنی انسان گنه کار می تواند توبه کند و به سوی خدا برگردد و یا کفاره دهد تا خدا او را ببخشد. خدا در برخورد با انسان عادلانه رفتار می کند و این یک اصل است یعنی: خدا باید با عدالت ورزی خود، نیکوکاران را پاداش و بدکاران را مجازات کند.

دعا و نیایش (نماز و تفیلا) در دین یهود

علمای یهود عبارت پرستش و بندگی از طریق قلب را همان دعا و نماز به درگاه خالق تعبیر نموده‌اند. در تورات آمده استدواریم – تثنیه – فصل ۱۱، آیه ۱۳): "خدای خالقتان را دوست بدارید و او را با تمام قلبتان پرستش وبندگی نمائید".

از آیه بالا علمای یهود در تلمود به این تفسیر رسیده‌اند که تنها پرستشی که به قلب ارتباط دارد نماز است. در گذشته اساس عبادت یهود را (تا ۲۰۰۰ سال قبل) مراسم تقدیم قربانی‌ها تشکیل می‌داد و دعای لفظی در کنار آن قرار می‌گرفت، اما پس از ویرانی معبد مقدس یهودیان در سال ۶۸ میلادی به علت توقف مراسم تقدیم قربانی، اصل عبادت یهود بر نمازها و دعاهای کلامی قرار گرفت و با گذشت زمان آئین و متن نمازها و دعاها شکل مدون امروزی را به خود گرفت.

تفیلا به دو بخش کلی یعنی تفیلای عادی و تفیلای ویژه تقسیم می‌شود.

تفیلی عادی: این تفیلا در ایام عادی هفته(شنبه شب تا بعد ازظهر جمعه) خوانده می‌شود که به ترتیب عبارتند از:

۱- شحریت(صبح)

۲- مینحا(عصر)

۳- عرویت(شامگاه)

در همه تفیلاهای فوق،یک بخش اصلی به نام لحش (آهسته) یا شمونه عشره(هجده دعا) مشترک و یکسان‌اند اما مقدمات و موخرات این سه تفیلا با هم تفاوت دارند. این بخش اصلی لحش نام دارد زیرا والاترین قسمت تفیلا بوده و به صورت آهسته ادا می‌شود. همچنین شمونه عشره نام دارد، زیرا در ابتدای تدوین از ۱۸ دعا تشکیل می شد که بعدها یک دعای دیگر در میان آن جا گرفت، اما همچنان نام اولیه بر آن اطلاق می‌شود. در متن لحش، گاه به مناسبت‌های مختلف (اول ماه و اعیاد خاص، یا روزهایی که در آن ها، روزه گرفته می‌شود)،متن‌هایی اضافه می‌شود. شمونه عشره با مدح و ستایش خداوند و ذکر اعتبار معنوی اجداد اولیه یهود (ازحضرت ابراهیم –اسحاق (ع) و یعقوب (ع) آغاز می‌شود)

دعاهایی در طلب عقل و دانش، پذیرش توبه، عفو، برکت، عدالت، حمایت الهی از صادقان، ظهور ناجی جهان و توجه به دعای مومنین خوانده می‌شود. شمونه عشره با دعاهایی در مدح خداوند و تقاضای صلح و سلامتی این بخش اصلی تفیلا پایان می‌یابد.

نمازهای یهود در روزهای هفته

شحریت: شحریت نماز صبح است که در سه شمع یا امیدا، چهار ساعت اول روز باید خوانده شود (ساعت یعنی یک دوازدهم زمان میان طلوع و غروب آفتاب که ممکن است زمستان از چهل و پنج دقیقه تا یک ساعت و ربع یعنی به مقدار نیم ساعت تغییر کند.)- (ال اسحاق/مذاهب و ادیان/سال ۵۷/ص۲۲۶). هریهودی باید با برخاستن از خواب، دعایی بخواند و تلیت بر سر بیندازد و تفیلین بر سر و صورت ببندد و بعد بیرخوت هشخر (دعای صبحگاهی) بخواند.(در یهودیت ارتدوکس بعد از این، نوشته‌های ربینی و تورایی می‌خوانند و در آخر کادیش می‌خوانند) و بعد پسوکی دزیمرا (یعنی مزامیر ۱۰۰ تا ۱۴۵ یا ۱۵۰ و دعای یهی خوود دعای دیا ۱۴ و ۱۵ از سفر خروج تورات) را می خوانند. بعد از آن شمع و امیدا که نوزده دعا در خود دارد را می‌خوانند.در روزهایی که جشن نیست بعد از این، تاخانوم می‌خوانند. روزهای دوشنبه و سه شنبه بعد از این بخش از تورات تا خانوم بلندی می‌خوانند و بعد از آن دعای آخر و علینو را می‌گویند و در نهایت کادیش عزاداران را می‌خوانند.

مینحا: نیم ساعت پس از ظهر هلاخایی، مینحا خوانده می‌شود. مینحا گدولا پس از مینحا کاتانا، دو و نیم ساعت هلاخایی پس از آغاز شب خوانده می‌شود. این نماز بهتر است قبل از غروب به پایان رسد، اما برخی ادای آن را تا شب تجویز می‌کنند. یهودیان اسپانیا و ایتالیا مینحا را با آیه ۵ مزمور هشتاد و چهار و کوربانوت آیات یک تاهشت از باب بیست و هشت سفر اعداد شروع می‌کنند و با پیتوم هاکتورت این دعا را ادامه می‌دهند. بخش آغازین این دعا با آیات سه و چهار ملاکی شروع می‌شود. اشکنازی های غربی تنها قوربانوت (قربانی) را می‌خوانند و بعد آشری (آیه ۵۰ باب ۸۴ مزامیر) و همه آیه ۱۲۵ مزمور را می‌خوانند. و پس از این بلافاصله خاتزی کادیش را تا نیمه می‌خوانند و بعد شمونه عسره یا به جای آن امیدا را میخوانند، بعد ذکر خاص را تا خانوم یا به جای آن تضرع را می خوانند و بعد کادیش را می‌گویند.سفاردیم ها مزمور ۶۷ یا ۹۳ را نیز می‌خوانند و پس از آن کادیش سوگوار را می خوانند. در بسیاری فرقه‌های مدرن بعد از این‌ها علینورا می‌خوانند اما اشکنازیم پس از

این دعاها کادیش سوگوار را می‌خوانند. در تیشعه بآو(نهم ماه آب) که زمان روزه سالیانه است، برای خواندن مینحا، تلیت و تفیلین می پوشند و امام جماعت هم در زمان نماز و در طول ایام روزه باید تلیت بر سر و تن کند.

معاریو – عارویت(نماز عصر)

در بسیاری فرقه‌ها، نماز ظهر و عصر بلافاصله خوانده می شود تا مردم لازم نباشد مجدداً راهی کنست شوند. ویلناگون با این طریقه مخالف بود و پیروانش این نماز را پس از آغاز شب می‌خوانند. این نماز با بارخو (اذان یهودیان) که ندایی برای فراخواندن مومنین یهودی به نماز است آغاز می شود سپس یک دعا می‌خوانند و بعد شمع سرائل را می‌خوانند و بعد دعای دیگر را برای پایان می خوانند.اشکنازی هایی که خارج از اسرائیل هستند بعداز دعای شمع سرائل، دعای باروخ آدونای لعولام را می‌خوانند و بعد نیمی از دعای کادیش را و سپس شمونه عسره یا امیدا را می‌خوانند و در آخر کادیش کامل را می‌گویند. سفاردیان ها بعد از دعای اصلی در نماز عصرشان، مزمور ۱۲۱ را میخوانند و بعد کادیشن سوگوار را می خوانند و بعد بارخو را تلاوت می‌کنند و سپس علینو می‌خوانند.

در صورتی که اشکنازی‌های خارج از اسرائیل، مزمور ۱۲۱ را نمی خوانند و بارخو را تکرار نمی‌کنند بلکه مستقیم علینور را می‌خوانند و بعد کادیش سوگوار را و اگر در اسرائیل باشند بعد از کادیش سوگوار بارخو را می‌خوانند. (مبلغی ابادی/تاریخ ادیان و مذاهب جهان/ج۱/سال ۷۳/صص۶۱۸-۶۱۹-۶۲۰-۶۲۱)[1]

شبات: نماز شبات

نماز شبات، هنگام جمعه شب بامینحا شروع می‌شود و در برخی فرقه‌ها، غزل غزل‌ها(کتاب سلیمان ع) را می خوانند که کوچک‌ترین کتاب تنخ است و ۱۱۷ آیه دارد.

در اکثر فرقه‌های یهود کابالات شبات(پذیرفتن شنبه) خوانده می‌شود که مقدمه عرفانی مراسم شبات است و قبالائیان در قرن ۱۶ آن را تنظیم نموده‌اند. کلمه کابالات شبات یک کلمه عبری است و در برخی جوامع یهود، ید بد نفش که غزل آئینی معروفی است معرف آن معناست که حاوی شش غزل ۲۹- ۹۵- ۹۶- ۹۷- ۹۸- ۹۹است که نماز شش روز هفته است و بعد از این لخادودی (یعنی بیا عزیزم)،خوانده می‌شود. (مبلغی ابادی/تاریخ ادیان و مذاهب جهان/ج۲/سال ۷۳/ص۶۳۷)[1] .

شعری که شلومو هالوی آلکاتبزرقرن ۱۶ بر اساس سخنان هانینا تنظیم نمود، برای خواندن آن رو به در می‌ایستند تا ورود شبات را تبریک گفته و از آن استقبال کنند.

کابالات شبات، با خواندن مزمور ۲۹ (که اشاره به پذیرش الزامات شبات دارد)آغاز می‌شود و سپس با خواندن مزمور ۹۳ به پایان می‌رسد. بسیاری از گروه‌های یهود، قسمتی را برای مطالعه در مقامی خواهی در یهود در نظر می‌گیرند مانند بامه مادلیکنی یا امار ریبی العازار که این قسمت یعنی مزمور ۹۳ را می‌خوانند و بعد معاریو قرآئت می‌کنند، اما در برخی از گروه‌های یهودی در این جا قسمتی از زهر را می‌خوانند که مجموعه‌ای از کتب قبالایی است.[۳] (رضایی-عبدالعظیم/اصل و نسب دین های ایران/سال ۸۱/ص۹۷) مقدمات و مؤخرات نماز صبح، طولانی‌تر از دیگر نوبت‌های تفیلا است اما در هرسه تفیلا، این بخش‌ها از گزیده تورات، تلمود، مزامیر داود و متون مربوط به تفیلا تشکیل شده‌اند. بخش مهمی که در تفیلاهای شحریت و عرویت، علاوه بر بخش اصلی لحش وجود دارد، متن شمع یسرائل است که گزیده‌ای از آیات تورات است. در این قسمت، توحید و پاداش الهی و مجازات از سوی او و توجه به احکام خداوند مورد تاکید قرار گرفته است.

دعاهای هجده گانه یهود (شمونه عشره)

مهمترین قسمت نماز یهودیان دعاهای هجده‌گانه‌ای است که در نمازهای مختلف می‌خوانند. در میشنا این دعاها را نماز (تفیلا) نامیده‌اند. این دعاها را ربان کملئیل در قرن اول میلادی تنظیم نموده است. برخی از یهودیان معتقدند که مدتی قبل از کملئیل صدو بیست نفر از پیران یهود این دعاها را تنظیم کرده‌اند. قدیمی‌ترین قسمت‌های این نماز، سه دعای اولیه آن است که در حدود چهار صد سال پیش از میلاد به وسیله اعضای مجمع بزرگان قوم یهود (یت هکنت هکدولا) فراهم شده است. سه دعای آخر آن نیز احتمالاً در حدود دویست سال قبل از میلاد در دوره مکابی‌ها نوشته شده است. دوازده دعای وسطی آن مربوط به دوران معبد دوم هستند.یهودیان امروزه این نماز را در نوزده دعا می خوانند (قسمت نوزدهم آن را شموئیل تنظیم کرده است.) این نماز و دعا را عمیدا یعنی ایستاده هم می‌نامند، این نام از شمونه عشره مناسب تر است زیرا فقط در حال ایستاده خوانده می‌شود. یهودیان در روزهای شنبه و اعیاد و در نماز موسافماز موساف در روزهای شبات و اعیاد دینی بعد از نماز صبحگاهی و خواندن ۱ فصل تورات خوانده می‌شود. ، سیزده قسمت وسطی نماز را نمی‌خوانند و معتقدند علت این کار این است که

در روزهای استراحت فکر خود را از همه ناراحتی‌ها و تقاضاها آزاد می‌کنند و در این روزها به جای این سیزده قسمت نمازهای مختص به آن عید را می‌خوانند.

فواید و آثار دعا و نماز در یهود

تورات، متن مدونی برای تفیلا (نماز) معرفی نکرده است، اما همه افراد یهودی را موظف به خواندن نماز نموده. در سفر تثنیه فصل ۱۱ آیه ۱۳ چنین ذکر شده است: خداوند خدای خود را دوست بدارید و او را با تمامی دل و با تمامی جان خود عبادت کنید. دانشمندان یهودی در تفسیر این نوع پرستش گفته اند منظور نماز است. در تفیلا، انسان خواسته خود را با خدا مطرح می کند،از دیدگاه یهود دعا کردن تکلیف کردن بر خدا نیست بلکه برعکس تکلیف کردن بر خود ماست یعنی انسان هنگام دعا کردن با در نظر گرفتن عنصر مشترک با خدا یعنی عنصر اراده و اختیار، که او را از سایر موجودات جدا می کند، خواستار آن است که با داشتن چنین عنصری خود را از مقام بی نهایت کوچک به مقامی بی نهایت بزرگ برساند و با کسب چنین قدرتی قادر به رفع نیازها و برآورد خواست ها باشد. دانشمندان یهود دعا و نماز را چیزی بزرگ تر و والاتر از درخواستی برای رفع احتیاجات مادی می دانند. در عین حال که تقاضاهای زندگی جسمانی را از یاد نبرده اند، دعا و نماز را به عنوان واسطه ای برای ارتباط با خدا و گسترش پاکترین و عالی ترین احساسات و انگیزه های طبیعی به کار می برند. درنظر ایشان عبادت و خواندن دعا ونماز ورزشی است روحانی برای افزودن قدرت روان، به این نیت که روح فرمانده زندگی و سرور جسم شود.

شرط اصلی مکان تفیلا ، پاکی آن است و در هر مکان می توان تفیلا را به تنهایی یا جماعتی برگزار کرد.

اما مکان رسمی نماز یهود در کنیسه یا لفظ صحیح تر آن بت هکنست است.

نمونه هایی از دعاهای یهودیان

- ای خدای عادل ، من وقتی نزد تو فریاد بر می آورم مرا اجابت فرما زمانی که در سختی و تنگنا بودم، تو به داد من رسیدی پس اکنون نیز بر من رحم فرما و دعایم را اجابت فرما.

- ای خداوند عادل، راه خود را به من نشان ده و مرا هدایت نما تا دشمنانم نتوانند بر من چیره شوند دهان اینان لبریز از دروغ است و دلشان مملو از شرارت و حرف هایشان پر از تملق و فریب است و به مرگ منتهی می شود ای خدا تو آنان را محکوم کن و بگذار خود در دام هایشان گرفتار شوند.

مفهوم واقعی دعا از نظر شیعه

دعا در مورد نارسایی های قدرت ما است، نه در مورد توانایی و قدرت، یعنی دعای مستجاب، دعایی است که به مضمون اَمَن یُجیبُ المُضطَر اِذا دَعاهُ و یَکشِفُ السُوء(نمل ،۶۲)به هنگام اضطرار و بی نتیجه ماندن تمام تلاش ها و کوشش ها انجام می گیرد، روشن می شود که مفهوم دعا، درخواست فراهم شدن اسباب و عواملی است که از دایره قدرت انسان بیرون باشد، آن هم از او که قدرتش بی پایان است و هر امری برای او آسان ، اما این درخواست نباید تنها از زبان انسان صادر شود، بلکه از تمام وجود او برخیزد و زبان در این قسمت نماینده و ترجمان همه ی ذرات وجود انسان و اعضاء و جوارح او باشد.قلب و روح، از طریق دعا پیوند نزدیک با خدا پیدا می کند و همانند قطره ای که به اقیانوس بی پایان به پیوند اتصال معنوی، با آن مبدأ بزرگ، قدرت می یابد.البته نوع دیگری از دعا هست که حتی در موارد قدرت و توانایی نیز انجام می گیرد، و آن دعایی است که نشان دهنده عدم استقلال قدرت های ما در برابر قدرت خداوند است، یعنی مفهوم آن، توجه به این حقیقت است که اسباب و عوامل طبیعی هر چه دارند، از ناحیه او دارند و به فرمان او هستند، اگر به دنبال دارو می رویم و شفا از آن می طلبیم، برای آن است که او آن اثر را به دارو بخشیده است.دعا یک نوع خود آگاهی و بیداری دل و اندیشه و پیوند باطنی با مبدأ همه نیکی ها و خوبی ها است، لذا در سخنان امام علی می خوانیم:" خداوند، دعای غافل دلان را مستجاب نمی کند".کلینی،اصول کافی ،ج۲ ،ص۳۴۲ ،و مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج۱،ص۶۴۱و۶۴۳.

پس دعا ارتباط قلبی و روحی است، از جانب او که همه وجودش نیاز است، به سوی کسی که بی نیاز مطلق است و هر چه که باعث زیاد شدن این ارتباط باشد مطلوب است(اگرازدایره ومحدوده ی شرع خارج نشود).

شرایط دعا از دیدگاه شیعه

دعا، دارای دو شرط است که با فراهم آمدن آن ها دعا محقق می شود:

اول: دعا باید حقیقی باشد همیشه آن چه را که انسان از خدا می خواهد، خیر و خوبی است و هیچ گاه شر و ضرر را طلب نمی کند اگر انسان، آن چه را می طلبد در واقع به ضرر او باشد مثلاً گناه باشد یا سبب گناه شود، این یک درخواست حقیقی نیست، چرا که اگر حقیقت امر را می دانست، هیچ گاه آن را درخواست نمی کرد. امام علی می فرمایند: "ای دعا کننده، هیچ گاه امر نشدنی و یا گناهی را از خدا درخواست نکن(

مجلسی،بحارالانوار،ج۹۰،ص۳۲۴). زیرا که این ها خیر نیستند، اما تو، آن ها را خیر می پنداری مثلاً تشنه ای برای رفع عطش، ظرف مایعی را به خیال این که آب است، طلب می کند، و نمی داند آن ظرف پر از زهر است، در حالی که اگر می دانست هیچ گاه آن را طلب نمی کرد، در حقیقت او آب می خواهد نه زهر.قرآن در رابطه با این درخواست غیر حقیقی انسان می گوید: "انسان همان گونه که خیر را طلب می کند همان طور، شر را طلب می کند(سوره اسراء،آیه۱۱.)

دوم: با اخلاص باشد، قرآن می گوید: "خداوند را با اخلاص بخوانید"(سوره اعراف،آیه۲۹.)

گاهی دعای انسان حقیقی است یعنی آن چه را می خواهد در واقع خیر است "لیکن در دعا خدا را نمی خواند به این معنا که به زبان از خدا مسئلت می کند اما در دل همه امیدش به اسباب عادی یا امور وهمی است. (طباطبایی،المیزان،ج۲،ص۴۸)

" امام صادق می گویند: " وقتی کسی از خداوند چیزی می خواهد و درخواست می کند و انتظار اجابت دارد باید از همه مردم مأیوس شود و امیدش فقط به خدا باشد وقتی خداوند از قلب بنده اش این را بداند هر چه درخواست کند به او می دهد خداوند به عیسی فرمود : ای عیسی همچون بنده محزون در حال غرق شدن که هیچ یاوری ندارد مرا بخوان."(مجلس،بحارالانوار،ج۹،ص۳۱۴.)

ارتباط اسم خدا با دعا در میان تشیع

خداوند گفته است "من رحمان، رحیم، علیم، حکیم، رازق، کریم، جواد، رئوف و ... هستم و همه اسماء حسنی متعلق به من است یعنی هر کمالی که می بینید نام و نشانی از من است".پس این اسامی، همه مخلوقاتی هستند که تعیّن یافته اند نه واژه های آن ها یا کلمات و مفاهیمشان. پس اسم یا نشانه لفظ و واژه نیست و حتماً تعیّن دارد و همه مخلوقات خدا اسامی و نشانه های او هستند او هستی محض است و هر چه هست ظهور و تعیّن اسم "حیّ" اوست او علیم است و هر چه هست نشانه و تعیّن علم اوست و هر زیبایی اسم و نشانه جمال اوست و همین طور است سایر اسمای الهی. چون اسم خدا نشانه خداست و نشانه خدا نیز تعیّن دارد و تعینات همه مخلوقات حق تعالی هستند آشنایی با اسم اعظم یعنی برترین نشانه الهی.

اسم اعظم: یعنی بزرگ ترین نشانه خدای عز و جل، بزرگ ترین نشانه خدا یا همان "اسم اعظم" که هر کس حرفی از آن را بشناسد و بداند می تواند به ولایت تکوینی نیز برسد، همان اکمل و اشرف مخلوقات اوست، و او همان صادر نخستین است، یعنی اول چیزی که خدا خلق کرد. خلق اول بی واسطه خلق شد و همه چیز به واسطه او از خدا کسب فیض وجود و سایر تعیّنات نمود. خلق او تجلی نور خدا شد و همه چیز به نور او منور شد یعنی به واسطه ی او متجلی نور الهی گردید خلق اول، بی واسطه تجلی رحمت خدا، علم خدا، رأفت خدا، کرم خدا، و سایر اسماء کمالیه گردید و هر چه هست به واسطه او این کمالات را اخذ کرد، پس او اول مخلوقات، اشرف مخلوقات، اکمل مخلوقات، صادر نخستین و واسطه فیض به همه موجودات است. پس خلق اول و صادر نخستین همان "اسم اعظم" که اعظم و اشرف مخلوقات است می باشد و او نیست مگر نور وجود پیامبر اسلام که فرمود: "اوّلُ ما خَلَقَ الله نُوری"، (یعنی اول چیزی که خدا خلق کرد، نور وجود من بود).خدا گفته است، (در رابطه با پیامبر اسلام): تو همان رحمت من بر همگان هستی، تو همان خُلق عظیم هستی: "وَ ما أرسَلناکَ اِلاّ رَحمَةً لِلعالَمین"[۴]، (سوره انبیاء، آیه۱۹۷). (و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم) "وَ اِنَّکَ لَعَلی خُلقٍ عَظیمٍ"(سوره قلم، آیه۴.) ، (و همانا تو بر خُلق عظیم هستی). طبق برخی روایات اسم اعظم، انسان کامل (معصومین)، هستند. همان طور که در بسیاری از دعاها می خوانیم: "باسمک العظیم الاعظم الاعظم، الاعزل الاجل الاکرم، بمحمد و علی و فاطمه و الحسن و الحسین و تسعه المعصومین من ذریه الحسین (ع)".

پس هر گاه گفتی: "بسم الله الرحمن الرحیم"، متوجه باش که به اسم و نشانه رحمانیت و رحیمیت الهی توجه کرده ای، لذا پس از آن بگو: "اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجّل فرجهم"، تا توسلت به اسم اعظم کامل و مؤدبانه باشد، که بزرگ تر از این دعایی نیست.امام عسکری گفته اند: "بسم الله الرحمن الرحیم، به اسم اعظم خدا نزدیک تر از سیاهی چشم است به سفیدی آن".(ترجمه جلد۱۷، بحارالانوار(مواعظ امامان)، ص۳۱۸.) دعایی که با نام ها و اسامی خدا آغاز گردد و با نام ها و اسامی او پایان گردد و به حرمت اسم اعظم خداوند را قسم کنند بسیار به استجابت نزدیک تر است و حس نزدیکی قلب را به خداوند ایجاد می نماید.براساس آموزه های اسلام، دعا برترین عبادت و خالص ترین اظهار توحید است و چون کاملترین بندگان معصومین اند، دعاهای آنان بهترین منبع و روش دعاست.

مقایسه تطبیقی مضامین دعای سمات و دعای شبور

این دعا از مشهورترین دعاهایی است که مشتمل بر اسم اعظم الهی و دارای معارف بلند و عمیق عرفانی است.در این دعا خداوند را به اسماءحسنی و اسم اعظمش و به رسولان و نزدیکان درگاهش و به مکان های مقدسی که خداوند با پیامبرانش سخن گفته و بر آنان وحی

فرستاده می خوانند و سوگند یاد می کنند تا درهای رحمتش را به روی آنان بگشاید و گره ها را از کارهایشان باز نماید(-روایح النسمات.میر جهانی طباطبایی.سید حسن. و بحارالانوار.مجلسی.محمدباقر.ج۸۷.ص۱۱۱۶)

این دعا نزد مسلمین به دعای سمات معروف است(به کسر سین) و به معنای علامت است در این دعا علائم استجابت وجود دارد زیرا بر اسم اعظم و اسمای حسنی و وسایل مقبوله قسم یاد کرده است.این دعا در میان قوم یهود به دعا ی شبور(جنه الامان الواقیه و جنه الایمان الباقیه معروف به مصباح کفعمی/کفعمی ص۵۵۹)

مشهور است.شبور مخفف شیپور است وکه منظور آلتی معروف است که برای اعلام می زنند،یعنی بوق، این دعا را به آن دلیل بوق و علامت می نامند که بنی اسرائیل آن را در شاخ هایی از گوسفندانی که سوراخ کرده بودند می خواندند معنای دیگرشبور یعنی عطیه خداوند، البته برخی نیز معتقدند شبور در عبری به معنای شنبه است(بحارالانوار.مجلسی.محمدباقر.ج۹۰.ص۱۰۲)

زیرا این دعا را بنی اسرائیل شب شنبه برای رهایی از عمالقه(پادشاهانی از نسل عملاق نتیجه حضرت نوح که در حجاز و یمن حکومت داشتند و قوم عاد و ثمود از نسل آن ها بودند.)

خواندند و پیروز شدند.اکنون نیز مومنان یهود دعای شبور را شب شنبه می خوانند و شیعیان نیزآن را عصر جمعه تلاوت می نمایند.تفاوت این دعا در میان شیعه و یهود تنها در قسمت آخرآن است که شیعیان نام ائمه را نیز آورده اند.علامه مجلسی در کتاب بحارالانوار(-بحارالانوار.ج۸۷.مجلسی.محمدباقر.ص۱۲۷)

می نویسد " چون یوشع بن نون وصی حضرت موسی خواست با عمالقه درگیر شود امر نمود که خواص بنی اسرائیل به عدد اسامی عمالقه کوزه هایی خالی بالای شانه های چپ خود نگاه دارند و هر کدام شاخی از گوسفندی را که سوراخ داشته بود را در نزدیک دهان خود نگه داشته و این دعا را بخوانند البته به آهستگی تا مبادا کسی استراق سمع کند پس بنی اسرائیل شبانه آن چه را یوشع گفته بود به جای آوردند و صبح هنگام دیدند همه عمالقه شکم هایشان باد کرده و از بین رفته اند."

مهمترین تمایزات و تشابهات میان یهود و تشیع

یهودیت و اسلام، از جنبه اعتقاد به توحید، نبوت،معاد و اصول فقهی شباهت های زیادی با هم دارند.از مهمترین نقاط اشتراک میان تشیع و یهود، هم کلام شدن با ذات باریتعالی است،در هر دوی آن ها معتقدان دعوت شده اند که نه تنها می توان با خداوند هم کلام شد بلکه می توان از او درخواستی داشت. اما وجوه افتراق این دو آیین نیز از همین جا آغاز می شود،در دین یهود سرنوشت و تقدیر انسان ها نوشته شده است و غیر قابل تغییر می باشد یعنی مفهوم دعا در دین یهود درخواست موضوعی نیست بلکه دعا مفهوم حمد و ثنا و سپاس از نعمت هایی است که خداوند به این قوم عطا نموده استف. در دعاهای تشیع و یهود صفت مهربانی و بخشندگی خداوند، عظمت و جلال او و قادریت مطلق الهی، قرب و معیت الهی یعنی حضور همواره خداوند در همه مکان‌ها و زمان‌ها و تاکید بر عدالت او مشاهده می‌شود.هم‌چنین هر دو آیین در اعمال مخصوص دعا و نیایش نظیر اعتکاف و نماز و به‌جای آوردن اعمال عبادی نظیر شب زنده‌داری و احیاء و روزه‌داری که همگی از اعمال خاصه عبادی هستند دارای اشتراکاتی قابل توجه می‌باشند. نتیجه این‌که در هر دو آیین، نیل انسان به مرتبه تواضع از غیر خدا و اتکاء صرف به او، پرورش روح عبودیت و بندگی و رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی و در نهایت و مهمتر از همه، تقرب به خداوند ذکر شده است.

نتیجه گیری

یهودیت و اسلام، از جنبه اعتقاد به توحید، نبوت،معاد و اصول فقهی شباهت های زیادی با هم دارند.از مهمترین نقاط اشتراک میان تشیع و یهود، هم کلام شدن با ذات باریتعالی است،در هر دوی آن ها معتقدان دعوت شده اند که نه تنها می توان با خداوند هم کلام شد بلکه می توان از او درخواستی داشت. اما وجوه افتراق این دو آیین نیز از همین جا آغاز می شود،در دین یهود سرنوشت و تقدیر انسان ها نوشته شده است و غیر قابل تغییر می باشد یعنی مفهوم دعا در دین یهود درخواست موضوعی نیست بلکه دعا مفهوم حمد و ثنا و سپاس از نعمت هایی است که خداوند به این قوم عطا نموده استف. در دعاهای تشیع و یهود صفت مهربانی و بخشندگی خداوند، عظمت و جلال او و قادریت مطلق الهی، قرب و معیت الهی یعنی حضور همواره خداوند در همه مکان‌ها و زمان‌ها و تاکید بر عدالت او مشاهده می‌شود.هم‌چنین هر دو آیین در اعمال مخصوص دعا و نیایش نظیر اعتکاف و نماز و به‌جای آوردن اعمال عبادی نظیر شب زنده‌داری و احیاء و روزه‌داری که همگی از اعمال خاصه عبادی هستند دارای اشتراکاتی قابل توجه می‌باشند. نتیجه این‌که در هر دو آیین، نیل انسان به مرتبه تواضع از غیر خدا و اتکاء صرف به او، پرورش روح عبودیت و بندگی و رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی و در نهایت و مهمتر از همه، تقرب به خداوند ذکر شده است.

فهرست منابع

۱- قرآن کریم، ۱۳۸۵، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران، نشر فرحان
۲- کتاب مقدس، ۱۹۹۵، ترجمه تفسیری، انجمن بین‌المللی کتاب مقدس
۳- آل اسحاق، ا.، ۱۳۷۵، یک صد مقاله در بررسی مذاهب و ادیان، قم، حوزه علمیه
۴- برازش،ع.ر.، ۱۳۷۸، قرآن صاعد، تهران، امیر کبیر
۵- رضایی،ع.، ۱۳۸۸، اصل و نسب دین‌های ایران، تهران، نشر در
۶- طباطبایی، م.ح.، ۱۳۷۱، تفسیرالزمان، قم، اسماعیلیان
۷- کفعمی، ا.، ۱۳۶۶، المصباح، بی‌جا، منشورات الرضی
۸- کلینی،م.ی.، بی‌تا، اصول کافی، ترجمه هاشم رسولی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل‌البیت
۹- کهن ابراهام، سال۱۳۸۲، گنجینه ای از تلمود، نشر اساطیر، تهران.
۱۰- مبلغی آبادانی، ع.، ۱۳۷۳، تاریخ ادیان و مذاهب جهان، مشهد، بنیاد پژوهش فرهنگی
۱۱- مجلسی، م.ب.، ۱۳۶۴، بحارالانوار، تهران، کتابچی
۱۲- مزامیر حضرت داود، (تهیلیم)، ۱۳۸۸، تهران، انجمن کلیمیان ایران، چاپ دوم
۱۳- مکارم شیرازی، ن.، بی‌تا، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتاب‌الاسلامیه
۱۴- میر جهانی طباطبایی، ح.، ۱۳۷۰، روایح‌النسمات در شرح دعای سمات، تهران، صدر